



مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام

پدیدآورنده (ها) : ساداتی نژاد، سید علی؛ بیات، بهرام؛ احمدی مقدم، اسماعیل؛ عنایتی، لطفعلی

علوم اجتماعی :: نشریه امنیت ملی :: زمستان ۱۴۰۰- شماره ۴۲ (ب/ISC)

صفحات : از ۴۷۷ تا ۵۱۲

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1851183>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۶/۰۱

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



مقالات مرتبط

- بررسی پیشرفت‌های جدید در روش‌های آینده‌پژوهی
- امنیت مردم پایه (مطالعه موردی حشدالشعبی عراق)
- محور مقاومت و امنیت منطقه ای مردم پایه در غرب آسیا
- گزارش یک نشست: سیر تحول تربیت دینی در غرب
- سیاست راهبردی آمریکا در مقابله با بیداری اسلامی
- بررسی تطبیقی رویکرد امنیتی اسلام با رویکرد امنیتی رئالیسم و لیبرالیسم
- مهدویت و آینده پژوهی
- مقالات: چشم انداز انرژی هسته ای در جهان
- گزارش کتاب جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب (هرایر دکمچیان)
- روش شناسی آینده نگاری
- ارزیابی مقدماتی مفروضات آینده‌پژوهی از نگاه دین اسلام (با تاکید بر قرآن و نهج‌البلاغه)
- تحلیل پدیدارشناختی تأثیر آیین‌های فرهنگی مشترک بر توسعه اجتماعی (مطالعه موردی شهر دزفول)

عناوین مشابه

- محور مقاومت و امنیت منطقه ای مردم پایه در غرب آسیا
- عدل شبکه‌ای توصیف و تبیینی از عدالت با اقتباس از مبانی معرفتی اسلام (پیشنهادی برای «نظریه پایه در حیطه‌های مختلف عدالت»)
- بررسی تفاوت‌های مبانی امنیت در اسلام و مکتب کپنهاگ
- بررسی مبانی سطوح امنیت سیاسی و تهدیدهای آن در مکتب امنیتی متعالی اسلام
- امنیت در اسلام؛ مبانی و قالب‌های فکری
- میزگرد علمی: مبانی و قواعد شناخت امنیت در اسلام
- تبیین و نقد مبانی نظریه برخورد تمدن‌ها و تناقض آن با صلح و امنیت در تاریخ اسلام
- مبانی رهبری در اسلام؛ اعتقاد به حقوق مردم
- مبانی نظری جامعه اسلامی با رویکرد واکاوی جایگاه امنیت در اندیشه سیاسی اسلام
- مبانی سیاست خارجی در اسلام: مفهوم امنیت

مقاله پژوهشی: مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در اسلام

سید علی ساداتی نژاد^۱، بهرام بیات^۲، اسماعیل احمدی مقدم^۳، لطف علی عنایتی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۵/۱۱

چکیده

رخداد انقلاب اسلامی با مشارکت گسترده مردم، رویه تکیه دولت به طبقات خاص را دگرگون ساخت و تکیه نظام بیش از آنکه بر طبقه خاصی باشد بر عموم مردم قرار گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۵۷ و نقش محوری مردم در تحقق این انقلاب، امام^(ع) این انقلاب را انقلابی متفاوت با سایر انقلاب‌های در جهان می‌دانست که متعلق به مردم است و ویژگی برجسته آن حضور مردم در تمامی صحنه‌ها است. در اندیشه امام^(ع) جمله کلیدی «سپردن نهایی امور به دست مردم» و «حضور ملت در صحنه» شاهیت تفکر امنیتی ایشان را تشکیل می‌دهد و از نظر امام که بنیان‌گذار این انقلاب بوده‌اند رویکرد امنیتی انقلاب مردم پایه است و مردم به‌عنوان رکن اصلی در فرایند امنیت ایفای نقش می‌نمایند. تجربیات بیش از چهل ساله انقلاب اسلامی به‌وضوح نشان می‌دهد رویکرد امنیتی کشور مردم پایه است اما در بعد نظری یک الگوی هدفمند و منظم که قابل ارائه در مجامع علمی و آکادمیک و همچنین ارائه به سایر کشورها باشد وجود ندارد.

در این پژوهش با استفاده از روش تحلیل محتوا محقق با بررسی منابع دینی و اندیشه بنیان‌گذار انقلاب در پی کشف مبانی فرانظری نظریه امنیت پایه و پاسخ به سؤال اصلی که: مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در جمهوری اسلامی کدام هست؟ به تبیین مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی امنیت مردم پایه پرداخته است. در این پژوهش مبانی هستی‌شناسی امنیت مردم پایه در هشت اصل کلی مورد بحث قرار گرفت و همچنین با توجه به این اصول معرفت‌شناسی این امنیت بر محور بعد مادی و معنوی بررسی و تبیین گردید. همچنین مبانی انسان‌شناسانه امنیت مردم پایه برگرفته از اصول اسلامی و توجه به انسان هم در بعد فردی و بعد اجتماعی بررسی شد و عنوان شد با توجه به ماهیت خاص امنیت مردم پایه و توجه به امور مادی و غیرمادی روش‌شناسی ترکیبی مورد استفاده در این رویکرد است.

کلیدواژه‌ها: اسلام، امنیت، امنیت مردم پایه، مبانی فرانظری

۱. دانشجوی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی (نویسنده مسئول) Sadati60@gmail.com
۲. دکتری جامعه‌شناسی - عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳. دکتری مدیریت استراتژیک - عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی.
۴. استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

برای بررسی و تبیین هر مفهوم جدید و بدیع می‌بایست ابعاد مختلف آن را مورد واکاوی قرار داد تا به‌طور دقیق زوایای آن مفهوم روشن و شناخته شود. مفهوم امنیت مردم پایه به‌عنوان یک نظریه امنیتی که هم‌زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ شکل گرفت نیز از این قاعده مستثنا نیست و برای تبیین آن و ساخت یک نظریه و ارائه آن در مطالعات امنیتی می‌بایست مبانی فلسفی و مبانی نظری این مفهوم را در قالب هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی مورد مذاقه قرار داد. امنیت مردم پایه ایده جدیدی است که توسط بنیان‌گذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی^(ره) در ابعاد مختلف با کلیدواژه «حضور مردم در صحنه» و «سپردن نهایی امور به دست مردم» شکل گرفت و طبیعی است برای بررسی مبانی نظری این نوع امنیت می‌بایست اندیشه امنیتی اندیشمند و متفکر خلق‌کننده آن را مورد بررسی قرار داد به همین منظور در این مقاله مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، روش‌شناسی و انسان‌شناسی با تأکید بر اندیشه رهبر کبیر انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی که نشأت گرفته از اسلام ناب محمدی است تمامی این مبانی چهارگانه منطبق با اسلام ناب و برگرفته از قرآن و روایات و سنت اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

هر نظریه و مکتبی اعم از سیاسی اجتماعی امنیتی و اقتصادی دلالت بر پیش‌فرض‌هایی صریح یا ضمنی یا به عبارت دیگر باورها و اعتقاداتی دارد که نظریه‌پردازان در مورد ماهیت هستی به‌طور خاص ماهیت انسان و اجتماع دارد؛ به عبارت دیگر نظریه‌ها به صورتی صریح یا ضمنی سرشار از مفروضاتی فرانظری یا پیش‌فرض‌های هستی - معرفت‌شناختی هستند که تحلیل و بررسی این مفروضات به روش بازاندیشانه یعنی به شیوه معارف درجه دوم که ناظر بر تحلیل نوع تلقی نظریه‌ها از پدیده و نه خود پدیده است ما را در شناخت بهتر نظریه‌ها و چگونگی مبادی فرا نظری در تبیین پدیده‌ها در قالب آن‌ها کمک می‌کند (خسروی، ۱۳۹۱: ۷۳).

از یک سو مکتبی از شیرازه و نظام بهره‌مند است که بر مبنای جهان‌بینی یا تلقی معینی از هستی بنا شده باشد؛ بنابراین بدون فهم درست از هستی‌شناسی یک اندیشه پرداختن به روبناها و تحلیل مواضع و راهبردها و سیاست‌ها و به‌طور کلی بایدها و نبایدهای یک مکتب امری محال است و از سوی دیگر هستی‌شناسی یا نوع جهان‌بینی یک متفکر و اندیشمند اغلب منتج از مبانی معرفت‌شناسی و منابع شناخت او است و بنابراین بدون درک صحیح از نظام معرفتی، فهم تلقی از هستی و سپس بایدها و نبایدها و گزاره‌های عملی غیرممکن و تلاشی بیهوده است که از سوی مخاطب یا به نابسامانی و تناقض اندیشه تفسیر می‌شود یا به عدم فهم و درک از محتوای آن (همان).

مسئله این پژوهش «شناسایی مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در جمهوری اسلامی ایران» است؛ بنابراین هدف این تحقیق «ارائه مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی امنیت مردم پایه بر اساس آیات و روایات و دیدگاه‌های امام راحل در نظر گرفته شده است همچنین سؤال اصلی این تحقیق این است که «مبانی فرانظری امنیت مردم پایه در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟» و همچنین سؤالات فرعی تحقیق «شناسایی مبانی هستی‌شناسی، مبانی معرفت‌شناسی، مبانی انسان‌شناسی و مبانی روش‌شناسی امنیت مردم پایه در جمهوری اسلامی» است. اهمیت اجرای این پژوهش برای مسئولین و سیاست‌گذاران حوزه کلان داده‌های امنیت بینش و اطلاعات مناسبی را به همراه دارد و ضرورت این تحقیق خروج از نبود محتوای غنی در حوزه امنیت مردم پایه است.

اهمیت این مقاله به این جهت است که با کاربست نتایج تحقیق توسط نهادهای انتظامی و امنیتی شاهد کمک به امنیت پایدار در کشور خواهیم بود و با شناخت و تقویت مشارکت اجتماعی و سیاسی مردم به‌عنوان تأمین‌کننده امنیت و مقابله با ناامنی، نقش مردم و حضور آگاهانه و مؤثر آنان در تحقق امنیت ملی، امنیت منطقه‌ای و نیز امنیت جهانی بیشتر مورد شناسایی قرار گیرد و همچنین انجام این تحقیق موجب توسعه پژوهش‌های حوزه مطالعات امنیتی مبنی بر حوزه مردم پایه خواهد شد. همچنین کم‌توجهی در شناسایی

مبانی فرانظری امنیت مردم پایه و غفلت از مطالعات پژوهشی در این حوزه و کاربست اجرایی آن موجب پایین آمدن ضمانت اجرایی امنیت در جامعه خواهد شد.

۱. پیشینه و مبانی نظری تحقیق

نظر به مواردی که در خصوص اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش ارائه شد و به منظور ارائه ارتباط بین آنچه که پژوهشگر در نظر دارد تا بتواند برای توسعه مبانی فرانظری در امنیت مردم پایه در جمهوری اسلامی ایران ارائه نماید منابع مرتبط به شرح زیر و با هدف تبیین مبانی هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی مورد بررسی قرار گرفتند.

در کتاب «نظریه‌های امنیت ملی» در چهارده فصل به تبیین و بررسی نظریه‌های امنیتی در قالب مبانی فرانظری، مفهوم امنیت و موضوعات محوری در هر نظریه پرداخته است و در فصل چهاردهم مکتب امنیتی اسلام را تحت عنوان مکتب امنیتی آرمان‌گرایی واقع‌بین مطرح و به مبانی فرانظری آن پرداخته است (بیات، ۱۳۹۸).

در کتاب «مکتب امنیتی امام خمینی^(ره) مبادی و مبانی فرانظری و نظری امنیت در گفتمان انقلاب اسلامی» با هدف ارائه یک چارچوب بومی امنیتی به بررسی و تبیین گفتمان امنیتی امام پرداخته است. وی در شش فصل پس از پرداختن به کلیات به بررسی مبانی فرانظری مکتب امنیتی امام، امنیت در اسلام، متغیرهای امنیت‌ساز در مکتب امام، سطح مبانی مکتب امنیتی امام و در فصل پایانی به تبیین اجزای نظریه امنیتی امام پرداخته است (خسروی، ۱۳۹۱).

در کتاب نظریه امنیت جمهوری اسلامی ایران که در قالب یک طرح پژوهشی توسط دانشگاه عالی دفاع ملی انجام و سپس به صورت کتاب چاپ گردیده است در سه فصل اصلی تحت عنوان مبانی نظری و مفاهیم، مبانی و اصول نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران و الگوی نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران بررسی دقیق و جامعی از مفاهیم مرتبط با امنیت در اسلام و جمهوری اسلامی انجام نموده‌اند و به بررسی مبانی اندیشه‌ای و

تفسیری مبانی و ارکان تحلیلی امنیت و سیاست‌گذاری امنیت در جمهوری اسلامی پرداخته‌اند (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷).

در کتاب امنیت متعالیه که بخشی از پروژه مطالعات اسلامی امنیت که توسط پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی انجام گرفته با تأثیرپذیری از مطالعات امنیتی - فلسفی، مطالعات امنیتی - اخلاقی، مطالعات امنیتی - کلامی، امنیتی - حدیثی، امنیتی - عرفانی، امنیتی - ادبی و امنیتی - فقهی و... و با استفاده از ظرفیت‌سنجی متون و منابع اسلامی و متفکران نحله حکمت متعالیه در حوزه امنیت به تبیین امنیت متعالیه در مقابل امنیت متدانیه پرداخته است. دکتر لکزایی با استفاده از نظریه دو فطرت و مفاهیم متخذ از آن مبانی امنیت متعالیه را طراحی نموده است (لکزایی، ۱۳۹۸).

در کتاب امنیت در اسلام به بررسی موضوع امنیت از دیدگاه قرآن و حدیث پرداخته است. مباحث مطرح شده در ۱۱ فصل در فضایی بیان شده است که اصل شناخت واقعی امنیت انسان‌ها و چگونگی دستیابی به آن در گرو بهره‌گیری از آموزه‌های وحیانی و اسلامی پذیرفته شده است. در هر فصل ابتدا تهدیدات و آسیب‌ها در تک‌تک مؤلفه‌های امنیتی بیان شده و سپس راهکارهای موجود و ابزارهای تأمین امنیت آن در منابع دینی ذکر شده است. در این کتاب به تبیین مفهوم امنیت و اهمیت و ویژگی‌های آن و سپس مسائل مبانی امنیت در قرآن پرداخته شده است سپس سطوح امنیت و ابعاد امنیت و امنیت اجتماعی و امنیت فکری و امنیت غذایی و امنیت سیاسی در سطح داخلی و خارجی امنیت نظامی و امنیت اقتصادی پرداخته شده است (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰).

در کتاب امنیت اجتماعی شده پس از بررسی اجمالی امنیت در دو رویکرد ایجابی و سلبی و ویژگی‌های امنیت اجتماعی شده و برداشت‌های متفاوت از آن به تبیین مرزهای گفتمانی امنیت در اسلام پرداخته است و در فصل پنجم به اصول پارادایمی امنیت اجتماعی شده برگرفته از داستان حضرت نوح در قرآن کریم پرداخته است. در نهایت ارکان نظریه اسلامی امنیت اجتماعی شده در قالب چهار فضای فردی، جمعی، سیاسی و امنیتی را با نگرش قدسی در برابر نگرش عرفی بیان نموده است (افتخاری، ۱۳۹۲).

در خصوص مبانی فرانظری امنیت مقالات متعدد نیز وجود دارد که در پژوهش حاضر مورد استفاده قرار گرفته است ولی به طور کلی در تمامی منابع و پیشینه‌ها مبانی فرانظری از زاویه و رویکرد اهمیت مردم و مشارکت آنان در فرایند امنیت توجه نشده است.

مبانی مفهومی

الف. هستی‌شناسی

از نظر فلسفی هستی‌شناسی یعنی مطالعه وجود یا هست و شکل دادن به موضوعات اساسی ماوراء طبیعی و توصیف روابط وجودی در یک چارچوب مشخص اگر معرفت‌شناسی به سؤال اصلی چه چیزی را درک می‌کنیم؟ می‌پردازد. هستی‌شناسی به این سؤال اساسی می‌پردازد که چه چیزهایی وجود دارد؟

در برخی نظریات امنیتی مسائل مرتبط با هستی‌شناسی مطرح می‌گردد؛ به‌طور مثال در رویکردهای واقع‌گرایانه اعتقاد به واقعیات بیرونی یک آموز هستی‌شناسانه تلقی می‌گردد. همچنین اعتقاد به وجود برخی از صفات مانند شرارت در انسان نیز انگیزه قدرت‌طلبانه در او از موضع هستی‌شناسی قابل بررسی است (گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۳۸). هستی‌شناسی در نظریات امنیتی از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است؛ چراکه موضوعاتی مانند همکاری یا تکیه بر دولت در مسائل امنیتی و یا تکیه بر افزایش قدرت از جمله مسائلی است که به هستی‌شناسی در نظریات امنیتی مرتبط می‌شود.

ب. معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی چگونگی دستیابی به حقیقت را بیان می‌کند که مهم‌ترین راه‌های دستیابی به آن عبارت‌اند از:

- **تجربه و مشاهده:** قوانین و قواعد شناخت در رشته تجربی از راه تجربه و آزمون به دست می‌آید. این را از آنجا که بر مشاهده و مطالعه تجربی پدیده‌های طبیعی استوارت راه تجربه مشاهده نامیده می‌شود در قرآن کریم با عنایت خاصی مردم را به تدبیر در پدیده‌های جهان اطراف خود فراخوانده است.

- **عقل:** عقلی که از مهم‌ترین مبانی معرفت‌شناسی است هرگونه بحثی از مبانی امنیت در آموزه‌های اسلامی بدون توجه به آن کامل نخواهد بود عقل از عوامل کشف واقعیات موجود در جهان است و راه پی بردن به سنت‌ها و قوانین حاکم بر جهان و جامعه و بهره‌گیری از آن‌ها در مسیر استقرار امنیت و رشد و تکامل انسان از طریق عقل امکان‌پذیر است.

- **کشف و شهود:** کشف و شهود یا به عبارتی معرفت‌شهودی اغلب بر اثر ریاضت نفس برای برخی ممکن می‌گردد و یک نوع درک و شعوری است که با آن حقیقت هر چیزی درک می‌شود. انسان اگر توجه خود را از بیرون به درون خود معطوف سازد و نفس خود را از گناهان و آلودگی‌ها پاک کند حقایقی را در عمق جان خود می‌یابد که دیگران از آن بی‌بهره هستند قرآن کریم و روایات معصومین مهم‌ترین شرط تحصیل چنین شناختی را تقوای الهی و انقطاع از ما سوی الله می‌داند قرآن کریم می‌فرماید:

«از خدا بپرهیزید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد خداوند به همه چیز داناست» (قرآن کریم، بقره: ۲۸۲)

- **وحی:** مخروط از وحی مجموعه علوم انبیا و معارف دینی است که به‌وسیله رهبران آسمانی دریافت و به بشر ابلاغ شده است و دریافت این نوع از علوم گاهی به‌صورت وحی بیانی و گاهی به‌صورت وحی رسالی که از محصول آن به کتب آسمانی یاد می‌شود بوده است. از میان کتاب‌های آسمانی فقط قرآن کریم که بدون هیچ‌گونه تغییری به دست ما رسیده است بر اساس آموزه‌های دینی و به دلیل توانمندی در تعیین و تفسیر مفاهیم امنیتی و پرداختن به جزئیات آن نقش اول را دارد اگرچه هیچ‌گاه راه‌های پیشین را نادیده نمی‌گیرد.

ج. انسان‌شناسی

سؤال از خدا، انسان و هستی همیشه به‌عنوان سه سؤال اساسی برای انسان مطرح بوده است. در این میان توجه به انسان و شناخت او از اهمیت ویژه برخوردار است تا آنجا که دعوت به شناخت انسان به‌عنوان مخلوقی پیچیده، از تعالیم اصلی بسیاری از مکاتب

فلسفی، عرفانی و ادیان بوده است. در تعالیم دینی ما شناخت انسان از خود، پرفایده‌ترین شناخته‌ها (معرفة النفس انفع المعارف) (آمدی، غرالحکم و درر الکلم: ۱۷۲) و از سوی دیگر، عدم شناخت انسان، جهل به همه چیز دانسته شده است (لا تجهل نفسک فان الجاهل معرفة نفسه جاهل بكل شیء) (همان: ۵۹۸).

شاید دلیل این همه تأکید بر شناخت انسان این باشد که انسان بدون شناخت نسبت به حقیقت خویش هرگز از زندگی انسانی خود بهره‌ای نخواهد برد، هرچند که از لذات مادی و شهوانی هم برخوردار باشد. البته مراد از شناخت، شناخت سطحی، به این صورت که بدانند وجود دارد و باید زندگی کند، نیست؛ چراکه حیوانات هم از چنین شناختی برخوردارند، بلکه مراد، شناخت عمیق نسبت به خود است، به این معنا که علاوه بر علم به هستی خود و لزوم زندگی انسانی، علم به خالق خود و کمال و سعادت و راه وصول به آن هم داشته باشد و بدانند زندگی بدون فضیلت و معرفت و خداشناسی ارزشی ندارد و باید زندگی او همیشه توأم با تعقل و تفکر و اندیشه باشد. چراکه مثل انسان در این زندگی مثل بازرگانی است که با سرمایه خود دادوستد می‌کند و فقط در صورتی می‌تواند به سود بالایی دست یابد که ارزش سرمایه و کالایی را که خرید و فروش می‌کند به خوبی بشناسد، وگرنه ممکن است در مدت زمان اندکی نه تنها سودی کسب نکند، بلکه اصل سرمایه خود را نیز از دست داده و زیانکار گردد. اهمیت و ضرورت مبحث انسان‌شناسی از دو حیث قابل توجه و بررسی است:

الف) انسان‌شناسی در چارچوب معارف بشری و

ب) انسان‌شناسی در حوزه معارف دینی.

د. روش‌شناسی

مباحث روش‌شناسی بر چگونگی و روش کسب علم و درک نسبت به پدیده‌های هستی تأکید دارد؛ به طور مثال اصالت عینیت حس و تجربه در شناخت آثاری دارد که اصالت ذهن آن آثار را به دنبال ندارد. واقع‌گرایان امنیت و ناامنی را از طریق محاسبات عینی درک می‌کنند؛ بنابراین از نظر ایشان میزان قدرت را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های عینی

و به‌ویژه مؤلفه‌های سخت قدرت درک کرد در مقابل در نگاه لیبرالیستی عقل انسان و قدرت پیش‌بینی آن اهمیت زیادی دارد توانایی بشر در تأثیرگذاری بر الگوهای عمل و تغییر آن‌ها و ایجاد نهادها مورد تأکید قرار می‌گیرد عامل انسان نقش زیادی در برقراری امنیت دارد و توانایی او و عوامل عینی و جهان خارج محدود و مقید نمی‌گردد. در رویکردهای اسلامی صلاحیت ذاتی عقل و ذهن انسان برای درک امور مورد توجه است که صرف‌نظر از عینیت‌ها و محاسبات عینی، توان حل مسائل را دارد. البته این امر نافی توجه به عینیات و تجربه نیست. همچنین اعتقاد به اصول پیشینی عقلی یا ماوراطبیعت و عقل مانند دین می‌تواند بر شیوه شناخت و درک تأثیرگذار باشد (برگرفته از: گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۴۵-۴۳).

روش‌شناسی تحقیق

بر اساس نوع نیازمندی در این تحقیق که به حوزه‌های نظری در حوزه کلان داده‌ها می‌پردازد این پژوهش از لحاظ هدف و نوع تحقیق در زمره تحقیقات کاربردی توسعه‌ای و به لحاظ رویکرد تحقیق در زمره تحقیقات کیفی دسته‌بندی می‌شود. نظر به اینکه نوع این پژوهش به دلیل ماهیت تفسیری آن و لزوم بررسی در آیات و روایات و اندیشه‌های امام راحل و کشف مبانی فرانظری امنیت مردم پایه از درون محتواهای بررسی شده است به روش تحلیل محتوا انجام شده است.

۲. یافته‌های تحقیق

برای تبیین و تفسیر ماهیت ابعاد و جوانب مختلف امنیت مردم پایه و معیارهای ارزشی سنجش آن نیز بررسی اصول فرا نظری یا مبادی هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناسی ضروری است.

امنیت مردم پایه موضوعی است که برگرفته از اصول اسلام است و به‌طور مصداقی و تجربی نیز در بررسی تاریخ اسلام به‌خصوص دوران حکومت اسلامی نبی مکرم اسلام و

در ادامه دوران حکومت حضرت امیر^(ع) نمونه‌های این نوع از امنیت قابل بررسی است و با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ توسط مردم و به رهبری حضرت امام^(ره) که در نوع خود یک انقلاب منحصر به فرد و مردمی است که نقش مردم و حضور آن‌ها در تمامی صحنه‌ها از پیروزی انقلاب و در طول حیات ۴۳ ساله انقلاب به وضوح قابل رؤیت و غیرقابل انکار است رویکرد امنیت آن مردم پایه است. رویکرد امنیت مردم پایه ثمره اندیشه امنیتی برگرفته از اسلام است که توسط بنیان‌گذار کبیر انقلاب حضرت امام^(ره) در شکل دهی انقلاب اسلامی و در ادامه در حیات این انقلاب شکوهمند، بروز و ظهور داشته است؛ بنابراین برای بررسی مبانی فرانظری امنیت مردم پایه راهی جز بررسی مبانی فلسفی اندیشه امنیتی حضرت امام وجود ندارد. به همین منظور در اینجا به بررسی مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی انسان‌شناختی و روش‌شناختی حضرت امام^(ره) پرداخته می‌شود.

الف) مبانی هستی‌شناختی امنیت مردم پایه در اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی^(ره)

امنیت مردم پایه به عنوان رویکردی نوین در حوزه امنیت مبتنی بر مبانی اصیل اسلامی است که مبانی هستی‌شناسانه آن برگرفته از قرآن و روایات و اندیشه امام راحل است با توجه به روش تحلیلی محتوا و بررسی آیات و روایات و اندیشه‌های حضرت امام^(ره) هشت اصل به عنوان مهم‌ترین مبانی هستی‌شناسی امنیت مردم پایه کشف که قطعاً در صورت بررسی عمیق‌تر احتمال افزایش این اصول نیز متصور است.

اصل اول) توحید

نوع متفاوت نگاه به هستی باعث تفاوت نوع نگاه به تمام پدیده‌ها چون طبیعت، انسان، زندگی، قانون، حکومت، حق هدف، مقصد و حرکت هستی، غریز، اقتصاد، رهبری و خیر و شر و در نتیجه امنیت و به‌ویژه امنیت ملی و جهانی می‌شود. این نگاه‌ها به‌خصوص باعث پدید آمدن دو دسته و دو نوع پدیده‌های فرهنگی اجتماعی می‌شود. بدون شک اصل توحید در معنای وسیع و دقیق آن مهم‌ترین و بنیادی‌ترین اصل هستی‌شناسی در قرآن کریم

است؛ به نحوی که سایر آموزش‌ها نیز به این اصل بازگشت می‌نمایند این اصل در قرآن به مناسبت‌های مختلف مورد اشاره قرار می‌گیرد. نگاه توحیدی باعث می‌شود تا انسان از غیر خدا اطاعت نکند حکومت و قوانین غیر الهی را نپذیرد و طرفدار آزادی باشد. آزادی بشر در سایه اصل توحید به این «نه» محقق می‌شود که هیچ انسانی یا جامعه و ملتی حق ندارد دیگران را از امنیت محروم کند یا برای آن‌ها قانون وضع نماید؛ زیرا شناخت و درک انسان‌ها ناقص است. توحید افزون بر آنکه یک بینش فلسفی و عرفانی است برای مؤمنان عقیده‌ای است که برای زندگی و امنیت فردی اجتماعی و سیاسی آن‌ها بر آن نهاده می‌شود. «بگو کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد یا کیست که حاکم بر گوش‌ها و دیدگان است و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مورد را از زنده خارج می‌سازد و کیست که کارها را تدبیر می‌کند خواهند گفت خدا پس بگو آیا پروا نمی‌کنید» (قران کریم، یونس: ۳۱).

پذیرش عبودیت خداوند لیبیک به ندای الهی است که تأمین‌کننده امنیت همه انسان‌ها در سراسر گیتی خواهد بود:

در پناه تقوا بودن که نوعی امنیت است نتیجه عمل به دستورات الهی در زندگی این جهان است (برگرفته از: هاشمیان فرد، ۱۳۹۰: ۵۴-۵۳).

توحید مایع‌رهایی انسان از آشفتگی به شمار می‌آید. دلیل این امر به قبول محوری واحد و کانون منحصر به فرد برای تمامی آفرینش بازمی‌گردد که به واسطه آن تمامی کثرت‌ها پیرامون ایده‌های واحد قرار گرفته و معنا می‌شوند. در موضوع امنیت مردم پایه با توجه به اهمیت موضوع انسجام و وحدت در جامعه در بعد مادی و عینی همچنین داشتن اطمینان به عنوان مؤلفه معنوی امنیت و بعد ذهنی، مسائل مرتبط با موضوع توحید به شرح زیر است:

توحید و انسجام (بعد عینی) - توحید و اطمینان (بعد ذهنی)

توحید به عنوان عاملی مهم برای انسجام، کثرت‌ها را معنا کرده و نشان می‌دهد که جملگی معنای واحدی دارند و کل هستی خلقت یکپارچه یکدست و تدبیر شده است این تصویر از نظام هستی که با توحید قابل درک است تمام خلقت را مرتبط و منسجم نشان

می‌دهد تصویری که با وضعیت آشفتته و نامنظم مکاتب «بی‌خدا» و «خداستیز» یا حتی «چندخدایی» متفاوت بوده و در تولید نظم و امنیت به مراتب تأثیرگذارتر و موفق‌تر است. در ارتباط دوم موضوع توحید و اطمینان ایجاد شده مشخص است که «الله» به فرد مؤمن اطمینان خاطر می‌دهد که عالی‌ترین سطح از امنیت است. رمزگشایی به‌عمل آمده توسط «آنه ماری شیمیل» از «اسماء الهی» و «اسما الحسنی» حول همین محور قرار دارد و معتقد است که کاربرد همه نام‌های الهی حتی آن‌ها که از عذاب سخن می‌گویند و شدت را می‌رساند در حیاط مسلمانان همراه با نوعی نگاه مثبت بوده است؛ برای مثال وصف «جبار» وقتی به «عبدالجبار» برای یک فرد تبدیل می‌شود برای او امید به پیروزی در آینده را تداعی می‌کند (شیمیل، ۱۳۸۶: ۲۹۲ - ۲۸۷) (برگرفته از: افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۶۳-۱۶۲).

اصل دوم) رابطه خالق با هستی

رابطه خالق با هستی، رابطه صانع با مصنوعی نیست. نظام هستی نظام خلق و امر است، هم پدید آمدن آن محتاج اراده الهی و هم بقای آن نیازمند فیض الهی است؛ بنابراین معلول یا ممکن، ظل مبدأ و فانی در اوست که هیچ‌گونه استقلال از خود ندارد (امام خمینی، ۱۳۸۴: ۱۱۳). بنابراین اصل هرچه هست از آن خداوند به تدبیر است؛ بنابراین جهان مادی و طبیعی در هستی‌شناختی امام، جهانی منفک و مستقل نیست و طبیعت جلوه و نشانه‌ای از خالق است و بنابراین دل بستن به طبیعت و جهان مادی که از خود هیچ ندارد و نیز تحدید و تقلیل قانون علت و معلول به محاسبات و ماده برای شناخت غیرمعمول است.

اصل سوم) لا مؤثر فی الوجود الا الله

همان‌گونه که در تحلیل اصل بالا اشاره شد، امام خمینی مبتنی بر منابع وحیانی شناخت نظام علت و معلول را نفی نمی‌کند، بلکه تقلیل نظام علت و معلول به ماده و محسوسات در مکاتب مادی را غیرمعمول می‌داند؛ چراکه مؤثر واقعی تنها خدا است. امام ضمن تصریح بر این نکته که کارهای حق تعالی از جزاف مبرا است در این عالم از روی نظام و ترتیب اسباب و مسببات است در آن عالم هم همین‌طور است (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

بر این باورند که این سببیت ذاتی نیست؛ بنابراین می‌فرمایند جریان طبیعت از مظاهر قدرت حق تعالی است و خدا است که به هر دارویی خاصیت داده است. از این جهت تأثیر ایجاد را به هیچ‌وجه به آن‌ها نتوانند نسبت داد (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۳۷۲)؛ بنابراین امام خمینی نیز همچون بسیاری از حکمای متاله هم تفویض و هم جبر را باطل می‌داند و با استفاده از مفهوم بدیع قرآن یعنی اذن الهی میان این نظریات پیوند می‌زند.

چنین برداشتی از هستی است که سبب می‌شود فهم بسیاری از بیانات دستورات و اقدامات و مواضع امام در طول حیات که بسیاری از آن‌ها رابطه مستقیم با مبحث امنیت دارد ممکن شود اینکه امام خمینی در اوج اقتدار نظام شاهنشاهی و حمایت همه‌جانبه نظام استکباری از قیام می‌کند و همواره پیروان خویش را بر پیروزی حق بر باطل نوید می‌دهد جز با فهم و باور قلبی این نظام شناختی و آسیب‌شناسی ممکن نیست تأکید امام خمینی پس از پیروزی خرمشهر بر این نکته که خرمشهر را خدا آزاد کرد و صدها نمونه مشابه دیگر ناشی از همین باور او به نظام علت و معلولی و اصل لا مؤثر فی الوجود الا الله است. در هستی‌شناسی امنیت مردم پایه علت و اسباب مادی اگرچه ضرورت دارد، اما فاقد اصالت است چراکه هستی فی‌نفسه استقلال ندارد و تنها مؤثر حقیقی خداوند است (خسروی، ۱۳۹۱: ۸۵-۸۳).

اصل چهارم) حقیقت باوری

در مکتب امام چون ذات خالق نهایت کمال است و نظام آفرینش نیز که از ذات بی‌انتهای الهی سرچشمه می‌گیرد، نظام اکمال متقن و دارای هدفمندی است (حسینیان، ۱۳۸۸: ۴۳). بر طبق آیات الهی غرض اصلی خلقت، انسان است و تمام هستی برای این مخلوق آفریده شده است؛ اما با تصریح بر اینکه انسان آخرین آفریده آفرینش و نتیجه آخرین تکامل جمادات و نباتات و حیوانات است این‌گونه استدلال می‌کند که هدف و غایت خلقت نیز انسان است و تمام موجودات عالم غیب و شهادت مخلوق برای رساندن این موجود شریف است. به خدا و عرفان حقیقی و در همین رابطه مقصود اصلی را حصول توحید و اقبال به حق می‌داند (امام خمینی، ۱۳۸۸: ۳۸).

اگرچه دنیا مرحله عینی حیات انسان به شمار می‌آید و تابع اصل عمومی زوال است، اما در ورای این عینیت فانی حقیقتی ثابت وجود دارد که ضمن معنابخشی به حیات مادی جاودانه است وجود همین حقیقت است که تزلزل و نسبیت را از حیات انسان در دو ساحت عینی و ذهنی از بین برده و مایه استواری او می‌شود این حیث گفتمان دینی متمایز با گفتمان جاهلی ارزیابی می‌شود که در آن منافع محوریت و حجیت دارند حقیقت باوری نیز به نوبه خود از چند حیث می‌تواند در تولید امنیت مؤثر باشد:

حقیقت و اعتدال

از آنجا که منفعت مقوله‌ای محدود است تابع قواعد تعارض و اختلاف است پیروی از آن بازیگران را به خروج از اعتدال و در نهایت افراطی‌گری رهنمون می‌سازد و به همین دلیل است که پاره‌ای از تحلیلگران انتقادی، منفعت را اصولاً راهنمایی غیر کافی و غیرمنطقی برای هدایت رفتارها دانسته و معتقدند به دلیل خصلت «خودپسندانه منفعت» امکان تولید تعارض و ناامنی از آن بسیار زیاد است؛ بنابراین شاخص دیگری برای امنیت-سازی باید وجود داشته باشد که از ظرفیت بیشتری برخوردار باشد و حقیقت که در گفتمان الهی از ناحیه «الله» به طریق وحی و با ضمانت عصمت بیان می‌شود چنین وضعیتی را به وجود خواهد آورد. خداوند در قرآن کریم در سوره مؤمنون می‌فرماید:

و اگر حق تابع هوای نفس ایشان می‌شد همانا آسمان‌ها و زمین و هر آن‌کس که در آن‌ها است تباه می‌گشتند و ما به آن‌ها چیزی دادیم که به ما یادآوری و عزت و شرف آن‌ها است، اما آنان از آنچه مایه یادآوری ازتان هاست روی گرداندند (قرآن کریم، مؤمنون: ۷۱).

حقیقت و رضایت

برخلاف منافع که از تأمین رضایت افراد و جوامع عاجزند و هرگاه که هزینه‌ها فزونی یابد سطح مطلوبیت منافع کاهش می‌یابد. حقایق به دلیل اصالت‌هایی که دارند ارزشمند ارزیابی شده و در نتیجه تحصیل آن‌ها یا تلاش برای تحصیل آن‌ها مولد رضایت است. به همین خاطر است که در گفتمان اسلامی منفعت معنای ساده‌اش را از دست داده، دویبعدی

می‌شود که دنیا و آخرت را در برمی‌گیرد. در این تلقی وجود دنیوی منفعت در بطن ماهیت اولیه و روحانی حقیقت قرار دارد و از این حیث تحت تأثیر آن فهم و معنا می‌شود. به همین دلیل است که شکست صوری نهضت عاشورا برخلاف معادلات عرفی گرا یک پیروزی بزرگ ارزیابی می‌گردد.

خداوند در سوره توبه در این باره می‌فرماید: همانا خدا از مؤمنان جان و مالشان را به بهای بهشت خریداری کرده کسانی که به مبارزه در راه خدا همت گمارند پس می‌کشند و کشته می‌شوند آنچه گفتیم و وعده حقی است که در تورات انجیل و قرآن آمده است از چه کسی از خدا به عهدی که می‌دهد وفادارتر است پس بشارت باد بر شما به واسطه این معامله‌ای که با خداوند انجام داده‌اید و این است که همان رستگاری و پیروزی بزرگ (قرآن کریم، توبه: ۱۱۱) (برگرفته از: افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷۰-۱۶۸).

اصل پنجم) ولایت

فلسفه نیاز انسان به رهبری الهی و وحی این است که انسان به‌تنهایی نمی‌تواند نیازهای معنوی خود را فهم و برطرف کند. از این رو انبیا آمدند به انسان کمک کنند تا استعدادهای خود را به فعلیت درآورد. لازمه اعتقاد به رهبری الهی و از جمله نبوت و امامت به دخالت در سرنوشت اجتماعی است که هدف انبیا نیز همین بوده است. به همین دلیل اگر همه رهبران الهی در یک زمان در محل جمع بشوند هیچ اختلافی میان آنها رخ نخواهد داد. انبیا به دنبال شکستن کنگره‌ها و کاخ‌های ظلم و تسلط بر نفس خویش و خدمتگزاری مردم و جلوه رحمت حق تالاب بوده‌اند و ثبات قدم داشته و فروتن و ساده‌زیست بودند. فلسفه ارسال رسل و رهبران الهی راهنمایی انسان‌ها به اطاعت از خدا و اجتناب از طاغوت و رسیدن به مقام امن حقیقی است (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰: ۵۶).

با توجه به ارتباط نزدیک قدرت و امنیت گزاره‌های مرتبط با ولایت در حوزه امنیت-سازي جنبه کلی داشته و می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و مهم‌ترین کاربردهای ولایت در بحث امنیت عبارت است از ولایت و سلامت ولایت و ثبات ولایت با استفاده از ظرفیت تربیتی خود و همچنین با استفاده از ظرفیت اخلاقی و با استفاده از ظرفیت سازمانی در

خصوصاً اصلاح‌الگوی روابط بین ملت و دولت اقدام نموده در نتیجه کانون اصلی بروز بی‌ثباتی و ناامنی در هر جامعه‌ای را مدیریت می‌کند و از این طریق به فرایند پالایش و سالم‌سازی رابطه ملت و دولت کمک می‌نماید (افتخاری، ۱۳۸۲: ۱۶۰ تا ۱۶۱).

در خصوص ولایت و ایجاد ثبات در جامعه باید گفت، ولایت در گفتمان شیعی منجر به مدیریت گسست دیرینه و عمیق دین و سیاست می‌شود و از این طریق راه را بر شکل‌گیری فرمول‌هایی که مولد بی‌ثباتی و ناامنی هستند سد می‌کند و طرح نظریه ولایت می‌تواند به دلیل نوع ارتباطی که بین امت و امام برقرار می‌شود با ارزش امنیتی بالا ارزیابی گردد. نظریه ولایت فقیه که با تأکید بر اصل عینیت سیاست و دیانت توسط امام مطرح شد، اثبات دینی و مقبولیت مردمی را در تعریف مشروعیت سیاسی به‌صورت توأمان لحاظ نموده است که این ابتکاری بدیع به شمار می‌آید که از ثبات لازم از ناحیه ایجاد نسبی معقول بین دین و سیاست برخوردار است. تأکید شهید مطهری بر اینکه ولایت ضامن ثبات داخلی و امنیت خارجی است از همین منظر قابل تحلیل و درک است (مطهری، ۱۳۷۰: ۷۰ - ۶۳) (برگرفته از: افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷۲-۱۷۱).

اصل ششم) سعادت

در اسلام با توجه به مقوله سعادت حیطة مسئولیت‌های فردی اجتماعی و سیاسی متحول شده و تلقی نوینی را ارائه می‌دهد که بر ارزش بی‌بدیل انسان دلالت دارد موضوع سعادت در حوزه امنیتی می‌تواند به شرح زیر مورد بررسی قرار گیرد: سعادت و کرامت فردی - سعادت و حقوق شهروندی - سعادت و معنویت.

در حوزه سعادت و کرامت فردی، انسان و سعادت‌مندی او دارای ارزش ذاتی است؛ بنابراین پاسداشت حرمت هر فرد بنیاد امنیت انسانی را شکل می‌دهد. انسان در اسلام از آن حیث که مورد کرامت الهی واقع شده بر کلیه موجودات برتری دارد.

در حوزه سعادت حقوق شهروندی باید گفت نظام سیاسی فارغ از کلیه ملاحظات نژادی، زبانی، اعتقادی در قبال تأمین امنیت کلیه افراد تحت حاکمیتش مسئولیت دارد. افرادی که ذیل حاکمیت حکومت اسلامی زندگی می‌کنند افزون بر حرمت ناشی از شأن

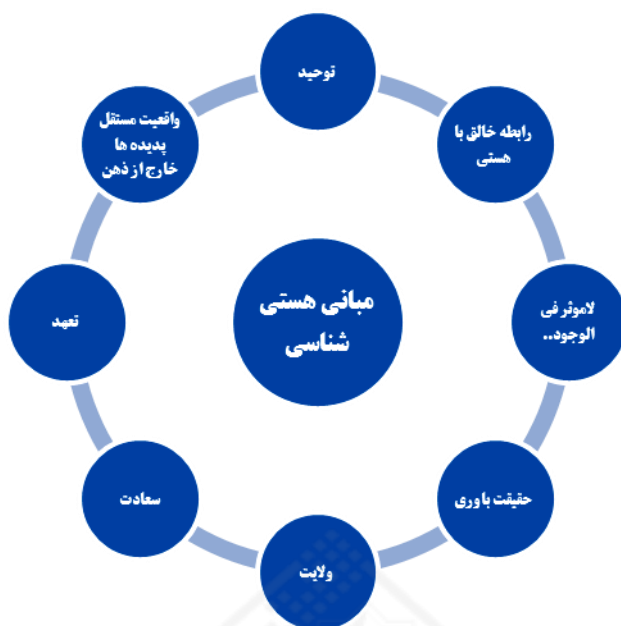
انسانی‌شان از آن حیث که شهروند حکومت به شمار می‌آیند شایسته رعایت و حمایت قدرت سیاسی هستند؛ به عبارت دیگر امنیت کالای عمومی به شمار می‌آید که تمامی افراد اعم از مسلمان و غیرمسلمان می‌بایست یکسان از آن برخوردار باشند (منجود، ۱۹۹۶، فصل ۲). در حوزه سعادت و معنویت، گستره امنیت در گفتمان اسلامی وسیع‌تر از نیازهای دنیوی است و تأمین نیازهای معنوی و مادی افراد را به صورت توأمان درمی‌گیرد. کاربرد واژگانی چون اطمینان و سکینه در کنار مفاهیمی سخت‌افزاری چون عدم ترس و دفع خطر دلالت بر آن دارد که امنیت واقعی تنها در صورتی محقق می‌شود که جسم و روح انسان به آرامش دست یابد (منجود، ۱۹۹۶: ۵۰ - ۴۰) (برگرفته از: افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷۶-۱۷۴).

اصل هفتم) تعهد

تعهد را باید عامل انسجام بخش میان اجزای مختلف جامعه اسلامی ارزیابی کرد که به‌جای تعصب جاهلی ایفای نقش می‌کند آنچه تعهد را از اهمیت متمایز می‌سازد، التزام آگاهی و سلامت رفتار است که به‌عنوان عناصر اصلی تعهد در گفتمان اسلامی بر آن‌ها تأکید شده است (برگرفته از: افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۷).

اصل هشتم) پدیده‌ها واقعیت مستقل و خارج از ذهن انسان دارند

در مکتب اسلام هستی‌ها و پدیده‌ها به‌عنوان واقعیت‌های بیرون از انسان موجودیتی مستقل داشته و در بیرون از ذهن انسان وجود دارند (بیات، ۱۳۹۸: ۳۲۶). اصول قابل توجه در تأیید این موضوع عبارت‌اند از: اصالت واقعیت، اصالت ذات یا اصالت جوهر، اصل علیت و اصل کلیت که هرکدام بر استقلال پدیده‌ها خارج از ذهن انسان دلالت دارند.



ب) مبانی معرفت‌شناختی امنیت مردم پایه در اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی^(ره) از جمله اصول و پارادایم‌های اثبات‌گرایی و به معنای دیگر، تمامی مکاتب مادی و مدرن و حتی مکاتب پست مدرن، انسان و عقل او معیار شناخت و کسب معرفت نسبت به پدیده‌های عالم است. به طوری که وجود هر موضوعی خارج از درک عقل بشری منجر به نفی آن و خرافاتی بودن آن گزاره است. ولی در مکتب امام راحل که برگرفته از اسلام ناب است انسان با ابزارها و روش‌های مادی امکان شناخت حقیقی را پیدا نمی‌کند و شناخت او محدود به ماده خواهد بود هر چند که شناخت ماده هم به طور کامل با عقل بشری امکان‌پذیر نیست:

تمام قوای بشر را روی هم بگذارید همین طبیعت را و خاصیت طبیعت را می‌تواند بفهمد منتها باز همه خاصیت‌های طبیعت برای بشر هم کشف نشده است تا حدودی کشف شده است... تا آخر هر چه بشود مال طبیعت است مال این عالم است هر چه بشود مال این ورق است (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۴: ۱۸۷).

امام خمینی با نغی نگاه معرفتی متوقف در ماده بر این نکته تصریح می کند که هدف فهم و شناخت بشر در معرفت شناسی های مادی فقط حد طبیعی است؛ چراکه بشر مادی با روش های مادی امکان ادراک فراتر از حد ادراک طبیعی خود را ندارد و اگر تمام همت و سعی خود را به کار گیرد تنها قادر به فهم عالم طبیعت و خصوصیات آن است:

فرض کنید یک و همه خصوصیات عالم طبیعت را انسان بفهمد و همه چیزهایی که مربوط به کمال طبیعت است و ترقیات در طبیعت را هم انسان کشف بکند، لکن در حد طبیعت است بیشتر نیست آن ورق بعد را اطلاعی بر آن ندارد (صحیفه امام، ج ۴: ۱۸۷).

قطعاً عقل بشری دارای محدودیت است و مانند اسلحه ای است که در دست انسان است و برد نهایی آن به فرض مثال سه کیلومتر است در حالی که سیل مقابل در چهار کیلومتری قرار دارد؛ بنابراین ماهرترین تیرانداز نیز با این اسلحه قادر به تیراندازی صحیح نیست عقل بشری نیز به این گونه است، چراکه عقل انسان توانایی درک روابط مادی را دارد در حالی که وجود انسان و سایر موارد بعدی فرامادی که این خارج از درک عقل بشری است.

امام انکار ماوراءالطبیعه را نتیجه ادراک ناقص می داند و در تبیین این استدلال خود و رد نگاه مادیون به ویژه مارکسیست ها بر این نکته تصریح می کند که در منطق فلاسفه طبیعی «من نمی دانم» بدون ارائه دلیلی متقن و صرفاً با اتکا به اینکه با قوای حسی قابل لمس نیست جای خود را به حکم به «نیستی» داده است:

یک چیزی را آدم نمی داند خوب آدمی هست که می گوید من تا این حد رسیدم این قدر را تصدیق می کنم اما بقیه اش را نمی دانم، اما اینکه نیست را می گوید از باب اینکه اطلاع ندارد شما هم که احاطه بر همه چیز عالم ندارید نباید بگویید نیست این ها تا این حد رسیدند و این حد را وقتی هم تمام خصوصیاتش معلوم بشود همین است حدشان حد طبیعت است (صحیفه امام، ج ۴: ۱۸۷)

تغییر در مفهوم امور عینی و مادی

در نگاه امام امور عینی و معنای عینیت، از منطقی استعلایی و مرتبط با مراتب وجودی برخوردار است که آن نیز منوط به نوع و مرتبه ادراک است. از همین رو عینیت نه مترادف با صرف واقعیات محسوس با قوای حسی مادی است و صرفاً واقعیات غیرقابل فهم با قوای حسی، بلکه هردوی این امور جزئی نیات و امور عینی است:

اسم آن را گفتند امور عینی خیال می‌کنند که این امر عینی عبارت از همین عالم طبیعت است و حال آنکه عوالم دیگری هست که اینها ادراکشان کرده‌اند و آن‌ها از عوالم عینی بیشتر یعنی از عینیت بیشتر حظ دارند تا عالم طبیعت در آخر موجودات عالم وجود واقع شده است در آن آخرش واقع شده یعنی متها علیه عالم - عالم وجود - عالم طبیعت است این طور نیست که انسان فقط خودش باشد و همین طبیعت و مرتبه‌ای نداشته باشد انسان مراتب دارد آن کسی که رفته سراغش آن مرتبه بالای انسان و از این مراتب غافل شده اشتباه کرده آن کسی که چسبیده است به این عالم ماده و مرتبه طبیعت را دیده و غافل از ماورای طبیعت است این هم اشتباه کرده (صحیفه امام، ج ۴: ۹).

در مکتب امام از معرفت‌شناسی و منابع شناخت صرفاً وحیانی، عرفانی، عقلانی و حسی به سر نمی‌شود، بلکه تمامی این معرفت‌شناسی‌های به ظاهر متضاد، ساری و جاری است، لیکن چون مبنای مکتب امام اسلام است باید گفت که این ظرفیت اسلام است که همه این گونه‌های به ظاهر متضاد را در خود جای داده است البته باید گفت که پذیرش هم‌زمان تمامی معرفت‌شناسی‌ها به معنای تفکیک و گسست آن‌ها نیست، بلکه رابطه معنادار و منظم حتی در سطح مبانی معرفت‌شناسی وجود دارد به گونه‌ای که تمامی این‌ها از منابع شناخت وحیانی و ظاهر شریعت مبتنا می‌شود و در طول مسیر شناخت نیز هرگز ترک نمی‌شود چه اینکه ادامه مسیر و رسیدن به حقیقت بدون شریعت غیرممکن است (اقتباس از جوادی آملی ۱۳۸۹ صفحه ۹۷ تا ۹۹).

نظام معرفت‌شناختی در مکتب امنیتی مردم پایه مبنی بر این است که هیچ شاخصی مهم‌تر از قانون شرع وجود ندارد و عقل نیز در این زمینه تابع شرع است طریقت و حقیقت جز از راه شریعت حاصل نخواهد شد؛ زیرا ظاهر راه نیل به باطن است (خسروی، ۱۳۹۱: ۷۹-۷۳).

جایگاه عقل در مبانی معرفت‌شناسی امنیت مردم پایه

از آنجا که اساس معرفت‌شناسی مکتب امنیتی امام خمینی دین و آموزه‌های وحیانی است برخی با تاسی از تجربه تاریخی سلطه کلیسا بر زندگی مردم و تصریح بر تضاد میان عقل و دین آنچه در مسیحیت تجربه شد را به سایر ادیان الهی از جمله اسلام تعمیم می‌دهند. در معرفت‌شناسی امام عقل و نقل معتبر عرض یکدیگر نیستند، بلکه متقابل مکمل و در عرض یکدیگرند و از همدیگر تأثیر می‌پذیرند و از امتیازات یکدیگر بهره‌مند می‌شوند (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۹) (برگرفته از کتاب مکتب امنیتی امام خمینی، علیرضا خسروی: ۸۳-۷۴).

نخستین معیار برای بازشناسی حق از باطل، عقل است. خداوند انسان را موجودی متفکر آفریده و برای شناخت حق و حقیقت، عقل را به وی عطا کرده است و در سراسر قرآن همه انسان‌ها را به تفکر، تعقل و تدبیر فراخوانده است. عقل در دین اسلام از جایگاه بسیار بلندی برخوردار است تا جایی که اساساً اسلام را «دین عقل و فطرت» می‌گویند. گواه روشن بر عقل‌گرایی آیین اسلام، وجود صدها آیه از قرآن کریم و صدها روایت از حضرات معصومین: درباره عقل و نقش‌ها و کاربردهای گوناگون آن در اصول و فروع دین اسلام است؛ زیرا گذشته از اینکه روح آیات قرآن را استدلال‌ها و براهین عقلی تشکیل می‌دهد، ماده علم، عقل، فکر و مانند آن، نزدیک به هزار بار به صورت‌های مختلف در قرآن کریم آمده و بر آن تصریح شده است (سبحانی، ۱۳۸۵: ۱۷-۱۵). «اصل در معنای عقل، بستن و نگه داشتن است و این مناسب است با ادراکی که انسان دل به آن می‌بندد و چیزی که با آن ادراک می‌کند، عقل نامیده می‌شود و یکی از قوای انسانی است و به واسطه آن خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تشخیص داده می‌شود» (طباطبایی، ۱۳۶۰: ۲۴۷).

با توجه مطالب ذکرشده در خصوص معرفت‌شناسی در اسلام و همچنین بر مبنای اصل وجود مستقل و خارج از ذهن پدیده‌ها در مکتب اسلام در مکتب امنیتی مردم پایه «امنیت» دارای دو بعد مادی و بعد معنوی یا ماورای طبیعی است. با توجه به این دو بعد معرفت‌شناسی در مکتب امنیت مردم پایه ترکیبی بوده و طبیعی است که بعد مادی امنیت را می‌توان از طریق عقل و تجربه یا ابزارهای پوزیتویستی شناسایی نمود و به آن معرفت پیدا کرد، اما بعد غیرمادی و متافیزیکی امنیت را که مربوط به دنیای دیگری است می‌بایست از

طریق ابزاری متفاوت که توانایی شناخت و معرفت به آن عام را داشته باشد مورد معرفت قرار دهد که آن چیزی جز روش‌های تفسیری و هرمنوتیک با استفاده از ابزار وحی و کشف و شهود نیست.



ج) مبانی انسان‌شناسی امنیت مردم پایه در اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)^(۵) بحث‌های انسان‌شناسی و شکل‌بندی عناصر آن در کنار یکدیگر اهمیت زیادی در موضوع امنیت دارد. تصویری که در مباحث معرفتی از انسان، دنیا، آخرت و منفعت می‌شود در نظریه‌پردازی و موضع‌گیری انسان بسیار تأثیرگذار است. عقیده فردی که دنیا و آخرت را در ارتباط با هم می‌داند با عقیده کسی که برای آخرت هیچ جایگاه قائل نیست و کاملاً متفاوت خواهد بود. مکتب یا متفکری که مبدأ انسان را الهی می‌بیند با متفکری که مبدأ انسان را آماده می‌بیند دو نوع اندیشه و عمل سیاسی و امنیتی در پی خواهد داشت. همچنین اگر پایان و فرجام انسان را مادی نگاه کنیم یا الهی بدانیم باز هم در نوع اندیشه و عمل سیاسی و امنیتی تفاوت‌های اساسی ایجاد خواهد شد. سؤال‌های دیگری مانند بیگانگی انسان‌ها از یکدیگر یا همگرایی آن‌ها و عامل تفرقه و همبستگی اصالت همبستگی یا تفرقه برتری یا عدم برتری انسان از سایر حیوانات فضایل اجباری و اختیاری انسان و شرافت مادی و معنوی انسان و جایگاه انسان در عالم هستی و ابعاد وجودی انسان و غرایز انسان عقل و نفس مراتب نظری و عملی عقل و هدف‌داری انسان از جمله پرسش‌های مهم و قابل توجه در مبانی انسان‌شناسی امنیت به حساب می‌آید (هاشمیان فرد، ۱۳۹۰: ۵۸). از همین

رو نگاه بدبینانه هابز به انسان (هابز، ۱۳۸۰: ۱۵۹) باعث پدید آمدن مکتب امنیتی متفاوت از مکتب امنیتی کانتی که نگاه خوش بینانه به انسان داشت (کانت، ۱۳۸۰) می شود؛ به عبارت دیگر تفاوت در گزاره های نظری هر مکتب ریشه در مباحث فرا نظریان و به ویژه انسان شناسی آن مکتب دارد موضوع اتخاذ شده توسط مکتب در مبحث انسان شناسی تأثیر مستقیم بر اندیشه ها گزاره ها و دیدگاه های آن مکتب در سطوح دیگر خواهد داشت.

در هستی شناسی مکتب امام انسان به عنوان عصاره همه خلقت که پس از حرکات ذاتیه جوهریه عالم و در انتهای حرکت ذاتی کمالی عالم ملک به وجود آمده است (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۲۶۲). چنین نگاهی به خلقت بشر و مقامات نفسانی او موجب می شود تا در اسلام و مکتب امام انسان موجودی چندبعدی و دارای شعور مراتب و جنبه های مختلف پنداشته شود (همان، ۱۳۷۹ جلد ۳: ۲۱۸).

امام خمینی برای قلب به عنوان مرکز حقیقت فطرت در آدمی دو وجه غیب و طبیعت بر شمرده است و بر این نکته تصریح می کند زمانی که دو فطرت و جبلت مخموره غیر محجوبه (اصلیه و فرعیه) محکوم احکام طبیعت شود، وجه روحانیت و نورانیت آن ها از بین می رود و به این ترتیب فطرت محجوبه منشأ جمعی شقاوت ها و بدبختی ها می شود. «پس جمع شرور که در این عالم از این انسان بیچاره صادر شود از احتجاب فطرت، بلکه از فطرت محجوبه است به واسطه اعتناق و اکتناف آن به حجاب ها شریت بالعرض پیدا کرده و شریر شده است بعد از آنکه خیر بلکه خیر بوده» (همان، ۱۳۸۶: ۸۲).

انسان علاوه بر ویژگی های ذاتی قابلیت و استعداد کسب ویژگی های دیگری را نیز دارد ویژگی های اکتسابی بر این مبنای مهم استوار است که انسان می تواند برای زندگی و رفتارهای فردی و اجتماعی خود تصمیم بگیرد و عمل کند بنابراین در اندیشه امام در درون انسان زمینه ها و استعداد های الهی و فطری و شیطانی به صورت بالقوه از طرف خداوند قرار داده شده است و به صورت ذاتی تفاوتی میان انسان ها و اختلاف و تمایز میان آن ها قائل نیست (فوزی، ۱۳۷۹: ۷۳) و بر این باور است که عوامل مختلف در طول زندگی انسان سبب به

فعلیت در آمدن این استعداد متضاد می‌شوند استاد مطهری درون انسان فطرت و غریزه را برشمرده است و تمایل ذاتی میان آن‌ها قائل شده است:

غریزه در حدود مسائل مادی زندگی حیوان است و فطریات انسان مربوط می‌شود به مسائلی که ما آن‌ها را مسائل انسانی مسائل ماوراء حیوانی می‌نامیم (مطهری، ۱۳۷۸: ۳۴).

گاهی ممکن است فطرت الهی انسان تحت تأثیر ابعاد حیوانی و غرایز به خاموشی گراید یا به شدت تقلیل یابد و رفتارهای انسان تحت تأثیر آن شکل گیرد؛ بنابراین از تفسیر ارائه شده از شهید مطهری می‌توان موضوع امنیت در اسلام را در سطح فرا نظری با تمرکز بر انسان‌شناسی جنگ و جهاد و نه صلح و سازش استنباط نمود از خصوصیات انسان این است که میان من‌های او گاهی جدال و کشمکش رخ می‌دهد. این جدال گاهی به جدال عقل و نفس یا دلال اراده اخلاقی و هوای نفسانی تعبیر می‌کنند. این جدال در هر کسی کم و بیش وجود دارد در بعضی بیشتر و در بعضی کمتر انسان تصمیم می‌گیرد. برخلاف میل طبیعی خودش کاری را انجام بدهد و بر ضد میل خودش کاری را انجام بدهد هم اتفاق می‌افتد که میلش بر اراده اخلاقی‌اش و به تعبیر دیگر نفسش بر عقلش غلبه می‌کند. این جدال‌ها در حیوانات وجود ندارد این جدال درونی بین خود و خود است و در خارج از خود انسان نیست که انسان با بیگانه جدال ندارد. در درون انسان دو نیرو از خود او هستند که با یکدیگر در جدال هستند (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۱۳ تا ۴۱۴).

برخلاف نگاه رئالیست که با نگاه بدبینانه به ذات انسان، انسان را حیوان ذاتاً شرور می‌داند و برخلاف دیدگاه لیبرال که با نگاه خوش‌بینانه به ذات انسان او را موجودی خیرخواه می‌داند. اسلام با نگاهی واقع‌بینانه به ذات انسان بر هر دو وجه مذکور تأکید داشته و بر همین مبنا است که در مقامات نفسانی بر هم‌زمانی وجود جنود شیطانی و رحمانی نفس انسان تأکید می‌شود؛ بنابراین در مکتب اسلام نفس انسان هم استعداد شرارت دارد و هم سعادت و جالب اینکه هر دو وجه آن نیز غیر محدود و سیری‌ناپذیر است.

آزاد یا اسیر بودن انسان

موضوع دیگری که در باب انسان‌شناسی در مکتب اسلام مطرح است موضوع «آزادی» است که آیا انسان آزاد هست یا اسیر؟ مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید:

تفاوت سوم [بین آزادی در فرهنگ اسلامی و آزادی در فرهنگ‌های بشری] این است که در اسلام قانون که محدودکننده‌ی آزادی انسان است، فقط در زمینه‌ی مسائل اجتماعی نیست، بلکه شامل مسائل فردی و شخصی و خصوصی انسان هم می‌شود. توضیح این مطلب را در چند جمله‌ی کوتاه عرض کنم. در فرهنگ غربی که قانون مرز آزادی را معین می‌کند، این قانون ناظر به مسائل اجتماعی است. به این معنی که قانون می‌گوید آزادی هیچ انسانی نباید آزادی دیگران را تهدید کند و منافع آن‌ها را به خطر بیندازد. در اسلام مرز فقط این نیست، یعنی قانونی که آزادی انسان را محدود می‌کند، به انسان می‌گوید که استفاده‌ی از آزادی علاوه‌ی بر اینکه باید آزادی دیگران را به خطر نیندازد و منافع جامعه را و دیگران را تهدید نکند، باید منافع خود او را هم خود انسان و خود آن شخص را به خطر نیندازد. قوانین بشری برای انسان تا آنجایی که هیچ‌گونه کار او رابطه‌ای با جامعه نداشته باشد، تکلیفی معین نمی‌کند؛ توصیه چرا، اما تکلیف و الزام نه. اسلام و ادیان الهی علاوه بر اینکه به فکر حفظ حقوق و آزادی‌های دیگران هستند و می‌گویند یک انسان نباید به بهانه‌ی آزاد بودن، حقوق دیگران را تهدید کند و به خطر بیندازد، همچنین می‌گویند که یک انسان به بهانه‌ی آزاد بودن و اختیار داشتن، حق ندارد و نمی‌تواند منافع شخص خودش را هم به خطر بیندازد. خود او هم نباید از قبل آزادی او ضرر ببیند؛ بنابراین ضرر زدن به خود در اسلام ممنوع است، خودکشی ممنوع است. بر اساس فکر اسلامی هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید که من آزادم، پس اموال خودم را از بین می‌برم، جان خودم را نابود می‌کنم یا به سلامتی خودم ضرر می‌زنم. او همان‌طور که موظف است که با حرکات خود و اعمال خود و رفتار خود و گفتار خود، حقوق دیگران و آزادی آن‌ها را محدود نکند و به خطر نیندازد، موظف است آزادی خود و حدود خود و حقوق خود را هم به خطر نیندازد. این یک مرز اساسی و اصلی بین آزادی از دیدگاه اسلام و آزادی از دیدگاه‌های دیگر و در فرهنگ‌های بشری است؛ بنابراین در اسلام انظلام هم جایز نیست، یعنی زیر بار زور رفتن

هم ولو به خود یک شخص مربوط بشود، حرام است. در اسلام عمل نکردن به واجبات و نپیمودن راه تکامل هم حرام است. در اسلام راکد گذاشتن استعدادهای خود حتی در آنجائی که فقط به شخص خود او مربوط می شود و به اجتماع ربط پیدا نمی کند، ممنوع و حرام است. خودکشی، خودزنی و خودآزارسانی هم ممنوع و حرام است؛ بنابراین یک انسان نمی تواند بگوید من اختیار خودم را دارم و به اختیار خودم می خواهم آزادی خودم را سلب کنم یا خودم را در اختیار دیگران قرار بدهم یا فلان تحمیل را و زور را تحمل کنم یا روح خودم و دل خودم را تربیت و تکامل نبخشم.

البته یک نکته ی بسیار مهم و قابل توجه این است که این ممنوعیت آزادی او در رابطه ی با حقوق خود او و ضرر وارد کردن به خود او، خود این حفظ آزادی، باز یک تکلیف شخصی است؛ یعنی هیچ دولتی و حکومتی و قانونی حق ندارد کسی را بر اینکه او حفظ حقوق خودش را بکند، اگر به جامعه مربوط نیست، مجبور کند یا او را تعقیب کند یا محاکمه کند، بنابراین اسلام در آن مواردی که آسیب رسانی کسی فقط به خود او است، تجسس را و تفحص و پیگیری را و افشاگری را ممنوع می کند. بعضی از کارهای خلاف و حرام در شرع مقدس اسلام وجود دارد که ضرر آنها به اجتماع فقط در آن صورتی است که در جامعه این کار افشا بشود؛ اگر افشا نشود، کار مضری است، اما فقط به خود آن گناه کننده و مرتکب این عمل ضرر خواهد رساند، نه به دیگران. در یک چنین مواردی اسلام دستور نمی دهد که تفحص کنید، تجسس کنید، ببینید آیا این آدم در خانه ی خود، در خلوت خود کار حرامی، خلافی انجام می دهد یا نه؟ مردم وظیفه ندارند که کار خلاف دیگران را تحقیق و تفحص کنند، مادامی که آن کار خلاف به خود آن شخص برمی گردد؛ اما به خود او این تکلیف الهی هست، یعنی خدا او را مجازات خواهد کرد. حفظ خود و حفظ حقوق خود یک واجب است. قرآن به انسان ها می فرماید یا به مؤمنین: «قوا انفسکم و اهلیکم نارا»؛ جان خودتان را، وجود خودتان را و همین طور اهل خود را، یعنی آن کسانی که تحت تأثیر شما هستند، حفظ کنید؛ نگذارید در آتش غضب الهی بسوزند؛ نگذارید به مجازات الهی مبتلا بشوند. «یا ایها الذین امنوا علیکم انفسکم»؛ بر عهده ی شما، حفظ نفوس

خود شما است. آنجا که به جامعه ارتباط پیدا می‌کند، قانون، دولت، دستگاه اجرایی، دستگاه قضایی، باید مواظب باشد و مرتکب را طبق قانون ممنوع کند یا مجازات کند؛ اما آنجایی که استفاده‌ی از امکانات به ضرر خود انسان فقط تمام می‌شود، قانون تکلیفی ندارد، اما انسان مسلمان از نظر اسلام آزادی وارد آوردن این ضربه بر خود را هم ندارد؛ نابود کردن حقوق خود را هم مجاز نیست که انجام بدهد. این یک فرق اساسی است بین آزادی از نظر اسلام و آزادی در مفهوم و فرهنگ غربی (امام خامنه‌ای: ۱۳۶۵/۱۱/۳).

جبر و اختیار انسان (نظریه امر بین الامرین)

انسان در هستی‌شناسی امام خمینی، دارای فطرت کمال طلب است و عشق سیری‌ناپذیری او به عناصر کمالی نظیر قدرت، جمال و جلال همه نشان از این عطش سیری‌ناپذیری او در طلب خالق است. یک انسان، موجود مجبور و دست‌وپا بسته نیست، بلکه مختار و دارای اراده است که سعادت و او را منوط به انتخاب و جهاد نفس است. در نگاه امام، اگر انسان و قوای شیطانیه نفس در مقامات مختلف ظاهره و با تنه آن غلبه کند راه فطرت که منتج به امنیت سعادت و کمال است را طی خواهد کرد. انسان از منظر دین اسلام نه به صورت مطلق مختار است و نه به صورت مطلق مجبور است، بلکه بنا به فطرت خود هم از قابلیت اختیار و هم آزادی برخوردار است و تا حدود مجبور است و به تعبیر بهتر انسان مسلمان موقعیتی بینابینی دارد. انسان می‌تواند به اقتضای اراده و اختیار ذاتی خود از تمایلات فطری و غریزی پیروی کند و هویت خود را به صورت انسانی یا حیوانی تعیین بخشد (بیات، ۱۳۹۸: ۳۳۸)، بنابراین انسان به‌عنوان یک کنشگر اجتماعی در قالب یک تشکل اجتماعی در روابط بین‌الملل و سیر جبر ساختاری نیست و قابلیت اصلاح روابط بین‌الملل و تغییر ساختار آن را دارند از این رو جوامع انسانی نیز در عرصه بین‌المللی از اراده و عاملیت برخوردار است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۶۴).

در خصوص جبر و اختیار از نظر علامه، علم الهی به افعال انسان موجب جبر نمی‌شود، زیرا علم الهی به افعال انسان همراه با صفت آن است. حق تعالی به افعال اختیاری انسان‌ها همراه با صفت اختیاری بودن آن‌ها علم دارد. به بیان دیگر خداوند می‌داند که فلان فرد از

روی اختیار، فعل خاصی را انجام می‌دهد. اگر علم خدا به این تعلق گیرد که فردی به سعادت می‌رسد و فردی به شقاوت، سعادت و شقاوت این هر دو فرد با عمل اختیاری خود آن‌ها، تحقق خواهد پذیرفت. هر چند احاطه وجودی حق تعالی موجب استناد فعل به او می‌شود، اما فعل اختیاری محاط و منسوب به اوست (ملاصدرا، ۱۹۸۱: ۳۷۲ - ۳۱۸).

به طور کلی در خصوص موضوع جبر و اراده انسان بین اندیشمندان اسلامی نظریات متفاوت وجود دارد، اما آنچه که در مبانی انسان‌شناسی امنیت مردم پایه مورد تأیید است نظریه «امر بین الامرین» است.

این نظریه توسط ائمه اهل بیت (علیهم‌السلام) مطرح گردیده و مورد قبول متکلمان امامیه و نیز حکمای اسلامی قرار گرفته است.

از مطالعه روایات به دست می‌آید که این نظریه نخست توسط امام علی (ع) مطرح گردید، چنان که روایت شده است که امام علی (ع) درباره شگفتی‌های روح و قلب انسان سخن می‌گفت، در این هنگام فردی برخاست و از امام خواست تا درباره «قدر» سخن بگوید. امام (ع) به خاطر سختی و دشواری این مسئله، طرح آن را در آن شرایط مصلحت نمی‌دانست و از سائل خواست تا از این پرسش صرف نظر کند، ولی آن مرد بار دیگر سؤال خود را مطرح نمود و امام (ع) همچنان از بحث پیرامون «قدر» امتناع می‌ورزید؛ لیکن آن مرد از پرسش خود دست برداشت و وقتی برای چهارمین مرتبه درخواست خود را تکرار کرد، امام (ع) فرمود: «لما ابیت امر بین الامرین. لا جبر و لا تفویض» (مجلسی، ۱۳۱۵: ۵۷).

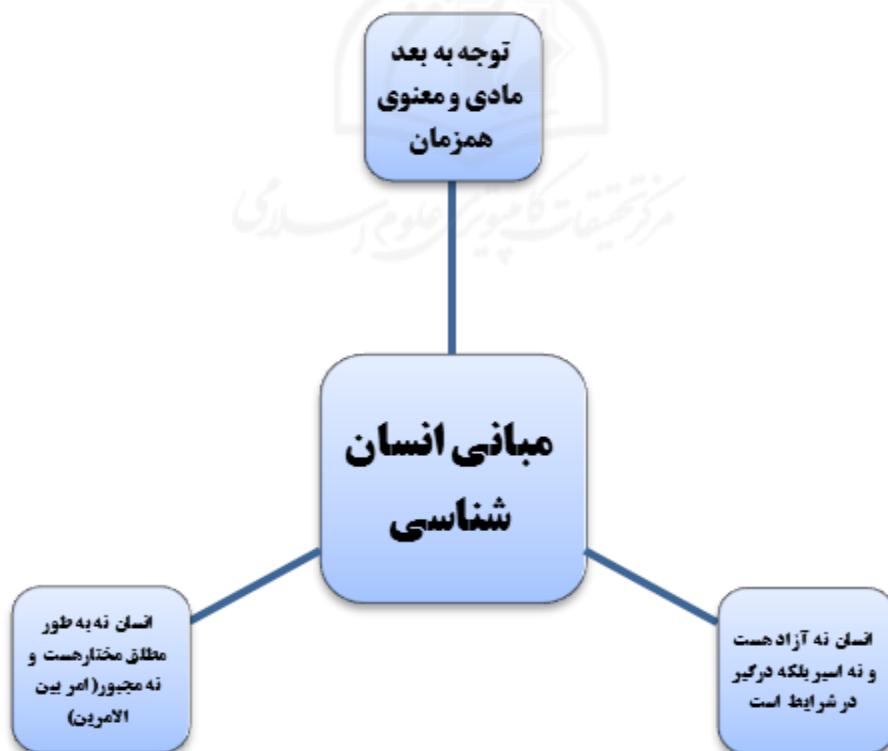
در روایتی که از امام صادق (ع) درباره حقیقت «امر بین الامرین» سؤال شد، فرمود: «امر بین الامرین در قالب تمثیل مانند این است که فردی را در حال انجام گناه ببینی و او را از آن نهی کنی، ولی او اعتنا نکند و تو او را به حال خود رها کنی، در این صورت تو نه او را به گناه امر کرده‌ای و نه وی را بدان وادار ساخته‌ای».

صدر المتألهین (ره) در شرح این حدیث می‌گوید: «اندیشه و عقل بسیاری از حکما و دانشمندان از فهم و درک حقیقت «امر بین الامرین» فرومانده است، چه رسد به افراد معمولی و افکار سطحی و مثالی که امام (ع) انتخاب کرده است برای راهنمایی این گونه افراد

و افکار و حفظ اعتقاد آنان از انحراف به سوی جبر یا تفویض، روشنگر و گویا است، زیرا در این مثال دو مطلب مورد توجه واقع شده است: ۱. نهی گنهکار و ۲. باز نداشتن جبری او از گناه».

مطلب نخست بیانگر این مطلب است که او به کلی به خود واگذار نشده است و در نتیجه اندیشه تفویض باطل است. چنان که مطلب دوم بیانگر مجبور نبودن او در مورد گناه است که انجام می‌دهد (ملاصدرا، ۱۳۶۶: ۴۱۶).

بنابراین در مکتب اسلام انسان نه به‌طور مطلق دارای اختیار هست و نه به‌طور مطلق مجبور، بلکه به نوعی انسان درگیر در شرایط است و جبر و اختیار نیز در انسان به‌طور مطلق معنی ندارد، بلکه به صورت نسبی است و همان‌طور که به‌طور مبسوط تبیین گردید هیچ‌گونه تضاد و تعارضی نیز در این خصوص وجود ندارد.



د) روش‌شناسی امنیت مردم پایه در اسلام با تأکید بر اندیشه امام خمینی (ره)

در مورد روش‌شناسی در مکتب امنیتی اسلام روش‌های تجربی و پوزیتیویستی همچنین روش‌های پدیدارشناختی به‌تنهایی برای فهم پدیده‌ها کافی به نظر نمی‌رسد، بلکه بایستی مبتنی بر مبانی هستی‌شناسی و معرفت‌شناختی اسلام از روش‌های ترکیبی استفاده نمود؛ چراکه نوع معرفت‌شناسی برای نظریه امنیت مکتب اسلام دارای تنوع شناختی است روش‌های مورد توجه در این مکتب به‌واسطه چندبعدی‌نگری مجموعه‌ای از روش‌های درون دینی و برون دینی را شامل می‌شود.

روش‌های مسلط بر حوزه علوم انسانی تا چند دهه پیش روش‌های اثبات‌گرایانه بود که به‌طور کلی از دیدگاه نظریه‌های متعدد غربی و اسلامی این دیدگاه مورد نقد قرار گرفت؛ زیرا در علوم اجتماعی که صحبت از پدیده‌های انسانی و اجتماعی است بحث از پوزیتیویسم محض و اثبات‌گرایانه نوعی غفلت از ابعاد دیگر یک پدیده است و در واقع اصول اسلامی روش‌های متعددی مانند نقلی، کلامی، عرفانی یا شهودی و عقلانی مورد پذیرش واقع شده‌اند که هر یک به شناخت ما در خصوص بخشی از یک واقعیت کمک می‌کند (عبداللاوی، ۱۳۸۲: ۲۴).

آن‌طور که در مباحث معرفت‌شناسی که ارتباط نزدیکی با روش‌شناسی دارد اشاره شد، عوامل وحیانی و شهودی یکی از روش‌های رسیدن به شناخت محسوب می‌شود که در نظریه‌های غربی جایگاهی ندارند؛ زیرا که روش‌های تجربی و عقل‌گرایی از محدودیت‌هایی همچون واقعیت خارج از ذهن برخوردارند که امکان شناخت پدیده‌های غیرمادی را از ما سلب می‌کند (نورمحمدی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

در چارچوب هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی اسلامی با توجه به اعتبار به مرجعیت منابع چهارگانه حس و عقل و دل و وحی امکان به‌کارگیری کلیه روش‌های تجربی (استقرایی) و عقلی (قیاسی) تفسیری، نقلی، شهودی، فلسفی کلامی برای پردازش یک نظریه اسلامی امنیت وجود دارد؛ به‌طوری که روش‌شناسی اسلامی برخلاف سایر روش‌شناسی‌های وحدت‌گرا مانند اثبات‌گرایی بر استفاده انحصاری از یک روش تأکید و تمرکز ندارد، بلکه

در این روش‌شناسی با تلفیق منطقی روش‌های رایج در حوزه‌ها و شاخه‌های مختلف علوم اسلامی از معارف و یافته‌های آنان به‌طور منظم و سامانمند برای پردازش نظریه‌های اسلامی استفاده می‌شود. فراتر از این امکان به‌کارگیری روش‌های برون دینی مانند روش تفسیری یا هرمنوتیک نیز وجود دارد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۸۸) (برگرفته از: بیات، ۱۳۹۸: ۳۴۰-۳۳۹).

در جمهوری اسلامی توجه به عینیت خارجی و سنج‌های واقعی و استفاده از روش‌های تجربی و مشاهده حسی اصالت ندارد، اما استفاده از این روش‌ها در مواردی تجویز می‌شود که در حوزه درک قدرت ملی امنیت و تهدیدات تحقیقات تجربی و بررسی سنجه‌های واقعی مورد توجه بوده است. امام خمینی در این خصوص می‌فرماید:

دوران خدمت نظامی برای جوانان کشور بهترین فرصت و مناسبتی است که نظام و ارتش و مسئولین عقیدتی-سیاسی می‌توانند از آن استفاده کنند و جوانان عزیز و غیور را با بهترین روش‌های دفاعی اعم از تجربی و علمی یا اعتقادی بارور سازند که برای همیشه و تا آخر عمر سرباز و مدافع اسلام و میهن اسلامی باشند (صحیفه امام، جلد ۲۱: ۳۵۸).

ما در این زمینه‌ها باید کار کنیم، در زمینه علوم تجربی باید کار و تلاش کنیم قدرت پیشرفت علمی و باز کردن راه‌های نو و گوش دادن افق‌های جدید را باید در خودمان به وجود بیاوریم (امام خامنه‌ای مدظله‌العالی: ۱۳۸۳/۹/۲۶).

توانایی ذاتی عقل انسان برای درک امور مختلف از جمله امنیت و مسائل مرتبط با آن مورد تأکید اسلام است. به همین دلیل باید گفت قدرت درک به‌ویژه درک بازیگران و نخبگان به‌خصوص برخی از آن‌ها مانند ولی فقیه از جایگاه بالایی برخوردار است. اصل ۱۰۹ قانون اساسی شرایط و صفات رهبر جمهوری اسلامی را مشخص کرده است. تحلیل این اصل نشان می‌دهد که در نظریه جمهوری اسلامی تکیه بر روش‌های عقلی در شناخت و درک پدیده‌های مهم کاملاً مورد پذیرش است. به همین جهت می‌توان مجموعه‌ای از روش‌های واقع‌گرایانه و آرمان‌گرایانه و سازه‌انگاری را در روش‌شناسی با رویکرد اسلامی مشاهده کرد. در این مورد روش سازه‌انگارانه یا به عبارت دیگر توجه به برداشت‌ها و ساخت‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد همچنان که نیت و تفسیر رفتارها و کشف باطن

آن‌ها از نظر مبانی اسلامی جمهوری اسلامی کاملاً مهم تلقی می‌گردد. اگرچه ممکن است برخی نهادها و نخبگان میانی در روش‌های واقع‌گرایانه تأکید کنند، اما به نظر می‌رسد ساخت نهادهای جمهوری اسلامی و قرار گرفتن حوزه امنیت در مرکز نخبگی آن یعنی ولایت فقیه و نهادهای امنیتی مانند شورای عالی امنیت ملی و نیروهای مسلح در اصل نظریه امنیتی جمهوری اسلامی ایران بیشتر بر روش‌های سازه‌انگاران تفسیری و تأویلی توجه دارد؛ بنابراین یک پدیده به‌عنوان امنیت یا تهدید امنیتی در فرایندهای گوناگون سیاسی و اجتماعی در ذهن و ادراک بازیگران اصلی شکل می‌گیرد و با این روش نسبت به آن معرفت و شناخت حاصل می‌گردد (برگرفته از: گروه مطالعاتی امنیت، ۱۳۸۷: ۱۴۲-۱۳۷).



نتیجه‌گیری و پیشنهادها

امروزه رویکرد مردمی کردن امنیت یا امنیت مشارکتی - کمتر کشوری را در جهان می‌شناسیم که متکی به این سرمایه در سطح وسیع و اثرگذار باشد - که پایدارترین، مؤثرترین و کم‌هزینه‌ترین نوع امنیت است با سرمایه بسیج مردمی، خود را نشان می‌دهد. انقلاب اسلامی ایران به‌عنوان یک کلان سیستم، همواره و متناسب با وضعیت‌های مختلف با درایت حضرت امام^(ره) و مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) استفاده از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های مردم را در بهترین شکل مشارکت که همانا «سپردن نهایی امور به دست مردم» است راهبری کرده‌اند. این موضوع ناشی از باور به مردم و حرکت مردمی است، از این رو همواره انقلاب مستمر و مداوم در جامعه ادامه دارد و محور اصلی این دگرگونی اجتماعی نیز مردم هستند.

امنیت مردم پایه بر مبنای اصول برآمده از دین مبین اسلام است که وجه عملیاتی آن را می‌توان با ظهور اسلام در ۱۴۰۰ سال قبل و هم‌زمان با شکل‌گیری حکومت اسلامی نبی مکرم اسلام و در ادامه دوران حضرت علی مشاهده نمود و در دوران معاصر حضرت امام بر مبنای اصول اسلامی این رویکرد امنیتی را احیا و بازسازی نمودند. بر این اساس مبانی فرانظری امنیت مردم پایه مبنی بر هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی و روش‌شناسی برگرفته از اندیشه‌های حضرت امام و آموزه‌های اسلامی امری اجتناب‌ناپذیر است. در این پژوهش مبانی هستی‌شناسی امنیت مردم پایه در هشت اصل کلی مورد بحث قرار گرفت و همچنین با توجه به این اصول معرفت‌شناسی این امنیت بر محور بعد مادی و معنوی بررسی و تبیین گردید. همچنین مبانی انسان‌شناسانه امنیت مردم پایه برگرفته از اصول اسلامی و توجه به انسان هم در بعد فردی و بعد اجتماعی بررسی شد و عنوان شد با توجه به ماهیت خاص امنیت مردم پایه و توجه به امور مادی و غیرمادی روش‌شناسی ترکیبی مورد استفاده در این رویکرد است.

پیشنهاد مشخص در حوزه امنیت مردم پایه این است که با شناسایی ارکان امنیت مردم پایه و بررسی عمیق این مدل از امنیت در بیانات ارزشمند امامین انقلاب همچنین اسناد بالادستی و استفاده از نظرات خبرگی فرماندهان و مسئولان حوزه امنیتی این نوع از امنیت که به صورت عملی در کشور اجرا می‌شود تبدیل به نظریه و قابل ارائه به مجامع دانشگاهی گردد و به‌عنوان یک الگوی موفق در حوزه مطالعاتی امنیت مطرح گردد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. منابع فارسی

- قران کریم (۱۳۷۶)، مترجم مهدی الهی قمشه‌ای، قم، انتشارات لقا.
- نهج البلاغه (۱۳۹۴)، ترجمه، محمد دشتی، قم، لاهیجی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۲)، آداب الصلوه، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹)، صحیفه امام، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶)، شرح چهل حدیث، حدیث اول، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله {بی تا}، کشف الاسرار، بی نا، بی جا.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۸)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح‌الله (۱۳۸۴)، تفسیر سوره حمد، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی.
- امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، سید علی، پایگاه اطلاع‌رسانی: <http://ir.leader.www>
- افتخاری، علی اصغر (۱۳۹۲)، امنیت اجتماعی شده رویکرد اسلامی، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- افتخاری، علی اصغر (۱۳۸۲)، وفاق ملی: جامعه‌شناسی سیاسی وحدت از دیدگاه امام خمینی (ره)، تهران: ناجا.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد تمیمی (۱۳۸۵)، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، موسسه انتشاراتی امام عصر (عج).
- بیات، بهرام (۱۳۹۸)، نظریه‌های امنیت ملی، تهران، مرکز نشر راهبردی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، اسرا.
- حسین بن محمد، راغب اصفهانی (۱۳۸۵)، المفردات فی غریب القرآن، ارومیه، نشر ظرافت.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۸) مبانی اندیشه سیاسی امام خمینی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، وسایل الشیعه، ج ۱۱، قم، انتشارات آل البیت.
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱)، مکتب امنیتی امام خمینی (ره)، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- خواص، امیر و دیگران (۱۳۸۵)، فلسفه اخلاق با تکیه بر مباحث تربیتی، قم، نشر معارف.

- دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ ق)، *أعلام الدین*، ص ۲۹۸، قم، انتشارات موسسه ال البيت.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، چگونگی و چیستی نظریه اسلامی روابط بین الملل، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، شماره ۲.
- سبحانی، جعفر (۱۳۷۹)، *مدخل مسائل جدید در علم کلام*، ص ۱۷ - ۱۵، قم، موسسه تعلیماتی و تحقیقاتی امام صادق (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۵)، *هژمونیک سلسله مسائل جدید کلامی*، قم، موسسه امام صادق (ع).
- شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۵)، *التوحید*، ج ۱، ص ۳۶۱، باب نفی الجبر و التفویض، روایت ۷. تهران.
- شمیل، آنه ماری (۱۳۸۶)، *رمزگشایی از آیات الهی*، عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- عبداللوی، محمد (۱۳۸۲)، *روش شناسی علوم اجتماعی اسلامی*، ترجمه اسماعیل اسفندیاری.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۷)، *المیزان*، ج ۲، ص ۲۴۷، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
- فوزی، یحیی (۱۳۷۹)، امام خمینی و هویت ملی در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، سال اول، شماره ۴.
- کانت، ایمانوئل (۱۳۸۰)، *صلح پایدار*، (ترجمه محمد صبوری)، تهران، بهیواران.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۹۳)، *اصول کافی*، ج ۱، باب الجبر و قدر، روایت ۸ و ۱۰. تهران، انتشارات دارالتقلین.
- گروه مطالعاتی امنیت (۱۳۸۷)، *نظریه امنیت در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- لک زایی، نجف (۱۳۹۸)، *امنیت متعالیه*، قم، انتشارات پژوهشگاه علوم و اندیشه اسلامی.
- ملاصدرا (۱۹۸۱)، *الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه*، ج ۶، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- ملاصدرا، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، *شرح اصول کافی*، ص ۴۱۶، تهران، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۳۷)، *تفسیر نمونه*، ج ۳، تهران: دارالکتب اسلامی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۱۵ ق)، *بحار الانوار*، ج ۵، ص ۵۷، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، *فطرت*، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰)، *ولاها و ولایتها*، تهران، صدرا.

- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۰)، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش احمد حسین شریفی، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- منجود، مصطفی محمود (۱۹۹۶)، *الابعاد السياسيه لمفهوم الامن فسی الاسلام*، القاہرہ، المہد العامی للفر الاسلامی.
- نور محمدی، محسن (۱۳۹۳)، ارزیابی و نقد نظریه‌های امنیت در جهان سوم، *دو فصلنامه مطالعات تحول در علوم انسانی*، سال دوم، شماره اول.
- هاشمیان فرد، زاهد (۱۳۹۰)، *امنیت در اسلام*، تهران، انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی.
- هابز، توماس (۱۳۸۰)، *لویاتان*، (ترجمه حسین بشیریه)، تهران: نشر نی.

